عکس: Time

از راست به چپ: ژان لوک ملانشون – فرانسوا فیون – بنوا آمون – امانوئل ماکرون– مارین لوپن

از ماکرون تا ملانشون، از آمون تا فیون

جولان «بی ثبات‌ها» در انتخابات فرانسه

سرژ هلیمی
مترجم : وصال روحانی

این که فرانسوا اولاند اصلاً در انتخابات امروز (یکشنبه ۳ اردیبهشت) فرانسه حضور ندارد نتیجه مستقیم نامحبوب بودن عظیم وی و رسیدن به این نتیجه بدیهی است که اگر هم خواستار حضوری مجدد در کاخ الیزه می‌شد مردم فرانسه به شکلی بسیار بد با او برخورد می‌کردند. با این حال سرنوشت تیره اولاند که به منفورترین رئیس‌جمهوری فرانسه در سال‌های اخیر تبدیل شده و نیکولاس سارکوزی که اولاند جای او را در پست ریاست‌جمهوری گرفت درس خطیر و هشداردهنده‌ای به تمامی کسانی است که در انتخابات امروز شرکت دارند و هریک به گونه‌ای جولان می‌دهند.

در ژوئن ۲۰۱۲ که اولاند زمام امور را در پاریس در دست گرفت، وضعی آرمانی داشت. او نه فقط آرای مردمی را در انتخابات به سود خود تعیین کرده بود بلکه بیشترین نفر و نیرو را در سایر نهادهای دولتی داشت، این شامل مجلس سنا، فرمانداری‌های ایالت و اکثر شهرهای فرانسه می‌شد و مجلس نمایندگان هم بوی او و عقاید وی را می‌داد. اما اولاند با انتخاب‌های پر اشتباهش در مدت اندکی تمامی این دستاوردها را خراب و پل‌های پشت سرش را ویران کرد. در بخش‌هایی از دوران ۵ ساله زمامداری وی فرانسه در یک وضعیت -اعلام نشده- اضطراری بسر می‌برد و نه فقط پایه‌های اقتصاد خود را سست و لرزان یافت بلکه مشغول مبارزه با تروریست‌هایی شد که از هر جهت از مسئولان دولتی با هوش‌تر بودند و جای محکم‌تری در لایه‌های پنهان جامعه داشتند. اولاند حتی جغرافیای فرهنگی فرانسه را تغییر داد اما تنها حاصل آن، منفور شدن فزاینده وی بود. وقتی هم که او ادعا کرد از کارگران ناراضی صنایع پولادسازی فرانسه حمایت می‌کند این کار را چنان بد با آثار منفی و معکوس انجام داد که کارگاه بزرگ پولادسازی فلورانژ را در شمال شرق فرانسه به تعطیلی کشاند.

■ **از کدام راه‌ها؟**

این از دست تقدیر و قضا و قدر نیست که امانوئل ماکرون امید دار نخست پیروزی در انتخابات امروز فرانسه از درون دولت اولاند و از جمع نزدیکان وی می‌آید زیرا ماکرون بر اثر تجربیات منفی اولاند آموخته است از چه چیزهایی پرهیز و از کدام راه‌ها به اقتصاد بیمار فرانسه کمک‌رسانی کند. به همین خاطر خیلی‌ها در فرانسه معتقدند اگر ماکرون برنده انتخابات امروز شود، عملاً کسی به قدرت می‌رسد که در شکل‌گیری عقاید و روش‌های کاری اولاند سهم زیادی داشته است. در عین حال ماکرون در ماه‌های اخیر کوشیده است از هرچه که نشانگر اولاند است دوری کند تا رأی دهندها را به صدور رأی به نفع وی متقاعد سازد. ماکرون هرچه بوده و هرکار که در گذشته کرده باشد در سیاستگذاری تازه‌اش در راه شرکت در انتخابات ریاست جمهوری امسال فرانسه هرگونه تأکید منفی و بد بر مسائل اقتصادی را از برنامه کار و اظهاراتش حذف کرده و این در حالی است که چپ‌گراها در فرانسه سابقه‌ای فراوان و ید طولایی در حمله کلامی «سرمایه‌وسرمایه‌گذاران» در سیستم‌های اقتصادی فرانسه دارند و با وجود این حتی در این زمینه خاص نیز می‌توان ماکرون را متهم به ظاهرسازی و تقلید از آرمان‌هایی دانست که در یک کتاب نوشته سال ۱۹۸۵ فرانسوا اولاند به نام «جناح چپ در حال حرکت» به آن اشاره شده است.

■ **مشکل مبتلابه**

مشکل انتخابات جدید فرانسه فقط هویت چندگانه ماکرون نیست زیرا می‌توان این مسأله را به بنوا آمون و ژان لوک ملانشون هم بسط داد و فرانسوا فیون را نیز از این دایره خارج ندانست. مارین لوپن که نماینده راست‌های افراطی در انتخابات روز یکشنبه فرانسه است نیز با آرای ضد و نقیضی که در خصوص سیستم‌های حکومتی داشته، کار رأی دهندگان غیر افراطی را در پذیرش یا رد ایده‌های خود سخت کرده است. تجربه اولاند و پیش از وی سارکوزی این نکته را عیان و به یک اصل بدیهی تبدیل کرده‌است که می‌توان در زمان انتخابات هر ادعایی را بیان کرد و بعد از رسیدن به قدرت این اصل و شعار واقعی را نادیده گرفت که مجتمع بودن قدرت در دست یک فرد هیچ کشوری را در غرب به اهداف و ایده‌هایش نرسانده است. ایده گرفتن سیاستمداران ارشد فرانسه و از جمله نامزدهای انتخابات امروز فرانسه از مقام‌های ارشد سیاسی سایر کشورها و نیز رؤسای جمهوری سابق آنان تشخیص شرایط واقعی آنها را به کاری بسیار سخت تبدیل کرده است و باز هم ماکرون و حرف‌هایش در این باره، یک نمونه روشن و حیرت‌آور است زیرا حرف‌های ایده‌آلیستی او در دل بهار ۲۰۱۷ بی‌شباهت به حرف‌های بیل کلینتون در بدو به قدرت رسیدن او در امریکا در اوایل دهه ۱۹۹۰ نیست و شاید برخی جملات او را پیشتر از زبان گرهارد شرودر آلمانی هم شنیده باشیم. طرفداران مارین لوپن می‌گویند این تعارض‌ها و تشابه‌ها در مخدوش بودن ایده‌های نامزدها به سود این زن تمام می‌شود که سیاسی کاری هایش کمتر از سایرین با بارقه‌های سود شخصی و تغییرات هر روزه همراه است و هر چند وی را از برچسب‌های همیشگی رهایی بخشیده است اما او موضعی ثابت و غیر متغیر در قبال «EU» و سایر نهادهای اروپایی داشته و حرفش را هر روز تغییر نداده و تنها تغییر عمده در حرکات و سخنان او دوری جستن از موضع‌گیری‌های تند پدرش بوده است که پیش از وی راست‌های افراطی را در فرانسه سازماندهی می‌کرد.

> نیم‌نگاه
>
> ■ **این از دست تقدیر و قضا و قدر نیست که امانوئل ماکرون امید دار نخست پیروزی در انتخابات امروز فرانسه از درون دولت اولاند و از جمع نزدیکان وی می‌آید زیرا ماکرون بر اثر تجربیات منفی اولاند آموخته است از چه چیزهایی پرهیزو از کدام راه‌ها به اقتصاد بیمار فرانسه کمک‌رسانی کند.**
>
> ■ **اگر آمون سرکار بیاید، حس بازگشت به گذشته و شاخصه‌های آن در پاریس غیر قابل اجتناب خواهد بود.**

■ **بحث منافع ملی**

لوپن می‌تواند به دستاوردهای نه چندان کوچک دونالد ترامپ در امریکا بنگرد تا یک بار دیگر مطمئن شود که سوار شدن بر امواج احساسات ملی می‌تواند در صورت همراه شدن با برنامه‌های عقلایی پیروزی در انتخابات سیاسی را موجب شود و این باور را به وجود آورد که برخی سیاست اقتصادی‌اش چپ‌گرایانه و کمک به شرکت‌هایی است که فقط تا زمانی با صنعتکاران داخلی معامله می‌کنند که مشتری بهتر خارجی نداشته باشند. اقتصاد فرانسه در دهه‌های اخیر سهم بسزایی در به‌قدرت رسیدن و سپس ساقط شدن رؤسای جمهوری فرانسه داشته و آخرین رؤسای این کشور که برکناری‌شان با علل اقتصادی در ارتباط نبود والری ژیسکار دستن و فرانسوا میتران بودند. همان میتران در سال ۱۹۸۱ با راست‌های افراطی ائتلاف موقتی و غیر ماندگاری را تشکیل داد که فقط ابقای وی را در کاخ الیزه موجب شد اما برای رؤسای بعدی این کاخ مفت هم نیارزید. اتخاذ سیاست مشابه از سوی ژان ماری لوپن برد بزرگی را موجب نشد و هرچند او در مرحله اول انتخابات لیونل ژوسپن را شکست داد اما در مرحله دوم به ژاک شیراک شهردار اسبق پاریس که رئیس‌جمهوری شده بود، باخت. از آن زمان حزب سوسیالیست (PS) آشکارا تضعیف شده و راست‌ها فهمیده‌اند که براثر خلأ قدرت در پاریس و توخالی شدن مدعیان تازه‌کافی است سوسیالیست‌های نامحبوب را در انتخابات ببرند تا رئیس‌جمهوری شوند و اینکه این اتفاق چندان روی نداده و به سادگی گفتند این عبارت نبوده، به این سبب است که راست‌ها نیز خط واحدی ندارند و تندروی‌هایشان بیش از هر کسی برای خودشان مضر بوده است.

> تجربه اولاند و پیش از وی سارکوزی این نکته را عیان و به یک اصل بدیهی تبدیل کرده‌است که می‌توان در زمان انتخابات هر ادعایی را بیان کرد و بعد از رسیدن به قدرت این اصل و شعار واقعی را نادیده گرفت که مجتمع بودن قدرت در دست یک فرد هیچ کشوری را در غرب به اهداف و ایده‌هایش نرسانده است

■ **پایان همکاری با «اتحادیه اروپا» یا...؟**

در شرایطی که اهداف برخی کاندیداهای امسال مشابه اما راه‌های رسیدن به هدف‌شان متفاوت نشان می‌دهد، پیروزی احتمالی برای مارین لوپن به معنای پایان همکاری فرانسه با اتحادیه اروپا خواهد بود. وی به صراحت گفته است که نه تنها از «EU» خوشش نمی‌آید، اصلاً حاضر نیست دست‌نشانده آنگلا مرکل در موش‌وگربه‌بازی‌های صدر اعظم آلمان با این نهاد رنگ باخته اروپایی باشد. مرکل آشکارا از پیروزی ماکرون و فیون در انتخابات امروز فرانسه حمایت می‌کند و در صورت شکل‌گیری این واقعه هم فرانسه در دامان «EU» می‌ماند و هم آلمان به جولانش در اقتصاد اروپا صاحب استمرار بیشتری خواهد شد و حتی اتحادیه اروپا را بازیچه دست خود نگه خواهد داشت؛ مسائلی که ملی‌گراهای فرانسه یک نوع خفت برای کشور خود می‌انگارند و حداقل وظیفه مستأجر تازه کاخ الیزه را پس زدن بانیان این بازی غیر ملی می‌دانند. بین سیاست اقتصادی‌اش چپ‌گرایانه و کمک به شرکت‌هایی است که فقط تا زمانی با صنعتکاران داخلی معامله می‌کنند که مشتری بهتر خارجی نداشته باشند. اقتصاد فرانسه در دهه‌های اخیر سهم بسزایی در به‌قدرت رسیدن و سپس ساقط شدن رؤسای جمهوری فرانسه داشته و آخرین رؤسای این کشور که برکناری‌شان با علل اقتصادی در ارتباط نبود والری ژیسکار دستن و فرانسوا میتران بودند. همان میتران در سال ۱۹۸۱ با راست‌های افراطی ائتلاف موقتی و غیر ماندگاری را تشکیل داد که فقط ابقای وی را در کاخ الیزه موجب شد اما برای رؤسای بعدی این کاخ مفت هم نیارزید. اتخاذ سیاست مشابه از سوی ژان ماری لوپن برد بزرگی را موجب نشد و هرچند او در مرحله اول انتخابات لیونل ژوسپن را شکست داد اما در مرحله دوم به ژاک شیراک شهردار اسبق پاریس که رئیس‌جمهوری شده بود، باخت. از آن زمان حزب سوسیالیست (PS) آشکارا تضعیف شده و راست‌ها فهمیده‌اند که براثر خلأ قدرت در پاریس و توخالی شدن مدعیان تازه‌کافی است سوسیالیست‌های نامحبوب را در انتخابات ببرند تا رئیس‌جمهوری شوند و اینکه این اتفاق چندان روی نداده و به سادگی گفتند این عبارت نبوده، به این سبب است که راست‌ها نیز خط واحدی ندارند و تندروی‌هایشان بیش از هر کسی برای جدید در حال شکل‌گیری خواند، با روند استقلال طلبی‌ها و قبول نکردن آلمان به‌عنوان یک مبصر اروپایی همسو است. سیسیل دونولت که وزیر خانه‌سازی اولاند بود در بهار ۲۰۱۷ می‌گوید: فرانسه به هیجان آمده بود و همه فکر می‌کردند ما مؤلفه‌های دوره حضور سارکوزی را به کلی محو خواهیم کرد اما دیری نپایید که ایتالیا و اسپانیا ما را محاصره کردند و هشدار دادند که تأمین منافع ملی به معنای در نظر نگرفتن بنیان‌های کار قدرت‌های اصلی در اروپا نیست و گاهی به نفع فرانسه است که با قدرت‌های برتر کنار بیاید و مثالی زدند که یونان و پرتغال مشکلات خود را با قبول این اصل که آلمان آقای اقتصاد اروپا است حل کردند. نمی‌دانم دقیقاً چه شد اما بسرعت اولاند به‌سوی افراد و تصمیم‌هایی رفت که در حرف‌هایشان چند سال آنها را کوبیده بود.

■ **چه فرقی می‌کند؟**

با این اوصاف چه فرقی می‌کند که آمون و ملانکون تأکید کرده‌اند در صورت به‌قدرت رسیدن تمامی قراردادها و تعهدات اروپایی فرانسه را بازبینی و در صورت لزوم ملغی خواهند کرد. آنها شبیه به دونالد ترامپ قبل از کوچش به کاخ سفید نشان می‌دهند سیاست پیشه‌هایی که شعارهایشان شیرین‌تر از آن است که قابل اجرا باشد.

* منبع: LeMonde

آیا کرملین می‌تواند بر نتیجه انتخابات فرانسه اثر بگذارد؟

سلین وایسپری
مترجم: عاطفه رضوان نیا

گفته می‌شود انتخابات ریاست‌جمهوری در فرانسه در هیچ دوره‌ای در تاریخ این کشور مانند دوران کنونی این چنین نامطمئن نبوده و سردمداران این کشور هرگز به اندازه‌ای که این روزها از دخالت و اثرگذاری احتمالی روسیه در نتیجه انتخابات فرانسه نگران هستند، نگران نبوده‌اند.

ماه گذشته، فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه، از تلاش‌های کرملین برای «اثرگذاری بر افکار عمومی» از طریق «عملیات ایدئولوژیکی» و «استراتژی اثرگذاری بر شبکه» در فرانسه انتقاد کرد و این اعمال را زشت خواند. بلافاصله پس از آن ریچارد فرند، دبیر ملی جنبش «پیش به جلو»، نیز شروع به اتهام زنی به روسیه کرد. وی روسیه را عامل اصلی حملات پی در پی سایبری به سایت این حزب خواند و گفت روسیه با این کار تلاش دارد امانوئل ماکرون، کاندیدای حزب «پیش به جلو» را، که بشدت طرفدار اتحادیه اروپا ست تخریب کند. وی همچنین مدعی شد، دلایل دیگری نیز برای دشمنی روسیه با ماکرون وجود دارد. روسیه تمام این اتهامات را بی‌اساس خوانده است. دولت فرانسه نگران است عملیات هک و حملات سایبری بر نتایج دو انتخابات مهم پیش روی این کشور؛ یعنی انتخابات ریاست جمهوری در ماه آوریل و مه، و انتخابات مجمع قانونگذاری ملی در ماه ژوئن، اثر بگذارد.

تا حدودی به واسطه همین نگرانی هاست که به فرانسوی‌هایی که در خارج از مرزهای این کشور زندگی می‌کنند، اجازه داده نشده در انتخابات مجمع قانونگذاری به صورت الکترونیکی رأی دهند. (قابل ذکر است این امکان در انتخابات ریاست جمهوری برای هیچ کس وجود ندارد). دولت فرانسه برای نگرانی‌های اخیر خود از دخالت روسیه بر نتایج انتخابات این کشور دلایل زیادی دارد: از آن جمله نقض قوانین مربوط به کامپیوتر، تبلیغات سیاسی، ارائه اطلاعات نادرست و حتی تأمین بودجه مبارزات انتخاباتی توسط این کشور در فرانسه و مواردی بیشتر از آن. نگرانی‌های فرانسه به این دلیل است که روسیه سال هاست در این کشور پایگاه‌های خود را به واسطه راه‌اندازی سازمان‌های مختلف تقویت کرده است.

■ **بازوهای روسیه در فرانسه**

دولتمردان روس حداقل سه سازمان اثرگذار را در فرانسه راه‌اندازی کرده‌اند. انجمن گفت‌وگوی فرانسه-روسیه در سال ۲۰۰۴ تحت سرپرستی رئیس جمهوری آن زمان فرانسه، ژاک شیراک و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه تأسیس شد. این انجمن شامل شرکت‌هایی است که هدف اصلی خود را گسترش «روابط بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی» بین دو کشور اعلام کرده‌اند. البته به نظر می‌رسد مهمترین اقدام این انجمن کمک به رفع تحریم‌ها علیه روسیه و وسعت بخشیدن به منظره جغرافیایی کرملین (امکان گسترش ارتباط در محدوده جغرافیایی وسیعتر) باشد. این انجمن کمک کرد تا در یازدهم آوریل کنفرانسی درباره سوریه با حضور معاون وزیر امور خارجه این کشور در فرانسه برگزار شود. بر اساس گزارش‌های سرویس‌های مخفی در فرانسه، افرادی از سرویس اطلاعات خارجی روسیه به این سازمان «نفوذ» کرده‌اند. دومین مؤسسه، مؤسسه «دموکراسی و همکاری» است که در سال ۲۰۰۸ در پاریس تأسیس شد. این مؤسسه هدف اصلی خود را ایجاد «یک پل دوستی مستحکم بین دو کشور بزرگ اروپایی یعنی فرانسه و روسیه» اعلام کرد. این در حالی است که ناتالیا نارووچنیتسکایا، مدیر این مؤسسه بارها در مصاحبه‌های خود دیدگاه‌های خصمانه‌ای را مطرح کرده‌است. او گفته غرب قصد دارد روسیه را تحت انقیاد خود در آورد، قوانین خود را بر آن تحمیل کند و حتی عضویت آن را «لغو» کند و برای رسیدن به همه این اهداف مسائل مربوط به حقوق بشر را دستاویز قرار می‌دهد. به‌نظر خانم نارووچنیتسکایا، روسیه «جایگزینی برای غرب ارائه می‌دهد.»

سومین سازمان مهم کرملین در فرانسه نیز که نسبت به دو سازمان دیگر از رسمیت کمتری برخوردار است، با نام «گردهمایی هموطنان» شناخته می‌شود. این گردهمایی در سال ۲۰۱۱ برای نخستین بار مهاجران روس زبان و نوادگان آنان را در سفارت روسیه واقع در پاریس گردهم آورد. این گردهمایی و سایر گردهمایی‌هایی از این دست که در کشورهای دیگر برگزار می‌شود، در راستای عملی کردن طرح «دنیای روس» پوتین است، این طرح در وهله نخست تلاشی است برای گردهم آوردن روس‌ها در سراسر دنیا برای انجام پروژه‌های اقتصادی، فرهنگی و زبانی اما به جز آن مهمترین هدفش افزایش حمایت‌ها از کرملین در مقابل اوکراین بوده است.

عکس: AFP

رهبران این سه سازمان روس به طور منظم در اخبار رسانه‌های فرانسوی و سایر رسانه‌ها که به زبان فرانسه و زبان‌های دیگر فعالیت می‌کنند، حاضر هستند، چرا که کل بودجه این رسانه‌ها توسط کرملین تأمین می‌شود. دوتا از مهمترین رسانه‌ها که هر دو حضور پر رنگی در شبکه‌های اجتماعی دارند، نیز اسپوتنیک و ریانووستی هستند که از امسال پخش اخبار را در فرانسه آغاز خواهند کرد. اسپوتنیک و ریانووستی مقالات متعددی را درباره مشکلاتی که ظاهراً توسط مهاجران در اروپا ایجاد شده منتشر کرده و از این طریق بر ترس و نگرانی ساکنان این قاره از حملات تروریستی شدت بخشیدند. این رسانه‌ها از هیچ تلاشی برای وارونه جلوه دادن برخی حقایق و ابداع حقایق دیگر فروگذار نمی‌کنند. این تکنیک، که در برخی مدارس روزنامه نگاری در شوروی سابق تدریس می‌شد، به دنبال ایجاد ضربه‌های احساسی و سرکوب تمام ظرفیت‌های تحلیل است. این تکنیک با تأکید بر اینکه حقایق از اهمیت چندانی برخوردار نیستند و یا امکان کشف حقیقت وجود ندارد، تئوری توطئه را نیز تقویت می‌کند.

دو رسانه اسپوتنیک و ریانووستی در قبال نامزدهای این دوره انتخابات ریاست جمهوری فرانسه موضعی مشخص دارند. آنها در حالی که بشدت ماکرون را مورد حملات رسانه‌ای خود قرار می‌دهند، از نامزدی مارین لوپن، از جناح راست افراطی، و فرانسوا فیون، از جریان راست میانه، حمایت می‌کنند. در خبرگزاری انگلیسی زبان اسپوتنیک بود که نیکلاس زیوییچ، عضو انجمن گفت‌وگوی فرانسه-روسیه و نماینده حزب جمهوریخواه در مجمع ملی فرانسه، اقدام به اتهام زنی علیه ماکرون کرد. وی ماکرون را «یکی از عاملین نظام بانکی امریکایی» معرفی و او را متهم کرد از سوی «لابی بزرگ همجنسگرایان ثروتمند» حمایت می‌شود.

■ **کمک‌های اقتصادی**

دریافت حمایت، بخصوص حمایت مالی، از روسیه نیز تقریباً محسوس است. هر چند تا کنون تنها یک مورد در فرانسه شناسایی شده اما موارد دیگر نیز قابل انتظار است. در سال ۲۰۱۴، لوپن، رهبر حزب ملی فرانسه، وامی به ارزش ۹ میلیون یورو از از یک بانک روس با نام «اولین بانک روس-چک» دریافت کرد. یک شرکت قبرسی نیز دو میلیون یورو به حزب ژان ماری لوپن، پدر خانم لوپن و رهبر سابق جبهه ملی فرانسه پرداخت کرد. به نظر می‌رسد این شرکت متعلق به یک تبعه روس باشد که بر اساس گزارش نسخه روسی مجله فوربز، شغل خود را مدیون ارتباطش با سرویس مخفی است. سؤال اینجاست که آیا این کمک‌های مالی در قالب وام قابل پرداخت اهدا شده‌اند یا وام بلاعوض؟

«جبهه ملی» به رهبری «مارین لوپن» اخیراً از کرملین حمایت کرده و گفته «مخالف تحریم علیه روسیه است.» پوتین نیز اخیراً به گرمی پذیرای خانم لوپن در روسیه بود و گفت «بسیار خوشحال» است، او را در کشور خود ملاقات می‌کند. لوپن نیز پوتین را «مردی متعهد به ارزش‌های خود» و بخصوص «متعهد به میراث مسیحی تمدن اروپا» خواند.

در این میان باورهای مردم فرانسه نیز

> ماه گذشته، فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه، از تلاش‌های کرملین برای «اثرگذاری بر افکار عمومی» از طریق «عملیات ایدئولوژیکی» و «استراتژی اثرگذاری بر شبکه» در فرانسه انتقاد کرد و این اعمال را زشت خواند

خدشه دار شده است. در نظرسنجی سال ۲۰۱۵ (که آخرین نظرسنجی موجود از نوع خود است)، ۸۵ درصد از پاسخ دهندگان به پوتین و یادآوری او درباره سیاست خارجی اعتماد نداشتند. ما بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۵، سطح اطمینان پاسخ دهندگان نسبت به او از ۴۸ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافت.

اما هیچ کدام از این موارد برای مسکو تفاوتی ایجاد نمی‌کند. ادعاهای قابل باور یک روزنامه آلمانی با عنوان «دای زیت» در مقاله‌ای که اخیرا در این نشریه به چاپ رسید قابل تأمل است. این روزنامه اهداف اصلی رسانه‌ها و شبکه‌های روسی را برانگیختن ترس و عدم اطمینان در خارج از روسیه، خدشه وارد کردن به اطمینان غربی‌ها نسبت به امنیت، یکپارچگی ثبات زندگی روزمره در کشورهایشان عنوان کرد.

اتحادیه اروپا با صدور قطعنامه‌ای که ماه نوامبر گذشته منتشر شد، نسبت به «نشر اطلاعات کذب و جنگ تبلیغاتی توسط روسیه» هشدار داد و این اقدام روسیه را «بخش جدایی ناپذیر از یک جنگ ترکیبی مدرن خواند»، «ترکیبی از اقدامات نظامی و غیرنظامی با طبیعت پنهان و آشکار.» این جنگ حقیقتاً هم اکنون در جریان است.

هدف روسیه همانطور که سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه این کشور نیز در سخنرانی ماه فوریه در مونیخ اعلام کرد، «ایجاد یک نظم نوین پسا غربی در جهان» است. هر کس اندک اطلاعی از وضعیت داخلی روسیه دارد با شنیدن دیدگاه‌هایی از این دست که روسیه را متهم به اثرگذاری بر انتخابات فرانسه می‌کنند، قطعاً بر خود خواهد لرزید.